



## Review and Analysis of Ajam Sinan Anton's Novel Based on Grimas Theory

Mohadeseh Mazuri <sup>1</sup>, Ali Najafi Ivaki <sup>2</sup>, Mohsen Seifi <sup>3</sup>

1. Department of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran. E-mail: mazoorim51@gmail.com

2. Corresponding Author, Department of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran. E-mail: najafi.ivaki@yahoo.com

3. Department of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran. E-mail: motaseifi2002@yahoo.com

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

##### Received:

31, August, 2022

##### Received in Revised form:

31, January, 2023

##### Accepted:

3, February, 2023

##### Published online:

10, June, 2023

#### Keywords:

### Abstract

Narratology is one of the branches of literary criticism that examines narratives. Vladimir Propp and after him Grimas have made studies in this field. Grimas believed that every story follows one of these narrative structures. 1- Contract (prohibition) - Violation - Punishment 2 - Lack of contract (irregularity) -Existence of contract (order). According to his theory, there are six roles or actors in all narratives, which are the subject, the target, the sender, the receiver, the helper, and the preventer. According to Grimas's theory, narrative propositions (descriptive, modal, transitive) and narrative chains (executive, contractual, disjunctive) can be seen in every story. Based on this, the current research tries to evaluate and criticize the novel Ajam written by the Iraqi writer "Senan Anton" based on the theory of Grimas with a qualitative approach and descriptive-analytical method. In this novel, one of the structures of Grimas's narrative, i.e., contract-violation-punishment, is observed, and the overall course of the story is from positive to negative. Also, in Ajam's novel, six roles or actors, narrative propositions and narrative chains of Grimas theory are clearly defined.

narratology, contemporary Iraqi novel, Grimas, Sanan Anton, Ajam's novel

Cite this The Author(s): Mazuri, M., Najafi Ivaki, A., Seifi, M., 2023. Review and Analysis of Ajam Sinan Anton's Novel Based on Grimas Theory: Journal of ADAB-E-ARABI (Arabic Literature) (Scientific) Vol. 15, No. 2, Serial No. 36- Summer, (87-106).

DOI: 10.22059/JALIT.2023.347980.612584



Publisher: University of Tehran Press

## بررسی و تحلیل رمان اعجام سنان انطون بر پایه نظریه گریماس

محدثه مزوری<sup>۱</sup>، علی نجفی ایوکی<sup>۲</sup>، محسن سیفی<sup>۳</sup>

mazoorim51@gmail.com.

najafi.ivaki@yahoo.com.

motaseifi2002@yahoo.com.

۱. گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه:

۲. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران رایانامه:

۳. گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه:

### اطلاعات مقاله چکیده

روایت‌شناسی یکی از شاخه‌های نقد ادبی است که به بررسی روایت‌های داستانی می‌پردازد. ولادیمیر پراپ و بعد از او گریماس در این زمینه بررسی‌هایی داشته‌اند؛ گریماس معتقد بود که داستان‌ها و روایت‌ها با قالب‌های مختلف خود، از الگوهای پیروی می‌کنند که با کشف این الگوها می‌توان به درک بهتری از این داستان‌ها نائل شد. الگوها قابلیت انطباق با رمان‌های پیچیده امروزی را دارند. به باور وی هر داستانی تابع یکی از این ساختارهای روایت است: ۱- قرارداد (ممنوعیت) - نقض - مجازات ۲- فقدان (بی‌نظمی) - وجود قرارداد (نظم). بر اساس نظریه او، شش نقش یا کنشگر در همه روایت‌ها وجود دارد که عبارت‌اند از فاعل، هدف، فرستنده، گیرنده، یاریگر و بازدارنده. بنا بر نظر گریماس، در هر داستانی گزاره‌های روایی (وصفی، وجهی و متعدی) و زنجیره‌های روایی (اجرایی، پیمانی، انفصالی) قابل مشاهده است. براین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی رمان اعجام نوشته نویسنده عراقی سنان انطون را بر پایه نظریه کیفی مورد ارزیابی و نقد قرار دهد. از نتایج تحقیق آن است که در این رمان یکی از ساختارهای روایت گریماس یعنی قرارداد- نقض- مجازات مشاهده می‌شود و سیر کلی داستان از مثبت به منفی است. همچنین در رمان مورد مطالعه، شش نقش یا کنشگر، گزاره‌های روایی و زنجیره‌های روایی نظریه گریماس به وضوح قابل شناسایی و ردیابی هستند.

نوع مقاله:

بحث علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۰۶/۰۹

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۰/۱۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۳/۲۰

روایت‌شناسی، رمان معاصر عراق، گریماس، سنان انطون، رمان اعجام

واژه‌های کلیدی:

استناد: مزوری، محدثه؛ نجفی ایوکی، علی؛ سیفی، محسن، ۱۴۰۲. بررسی و تحلیل رمان اعجام سنان انطون بر پایه نظریه گریماس: ادب عربی، سال ۱۵، شماره ۲،

DOI: 10.22059/JALIT.2023.347980.612584

تابستان - شماره پیاپی ۳۶ - (۱۰۶-۸۷).



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

## ۱. مقدمه

روایت از دیرباز در تاریخ ملتهای مختلف وجود داشته است؛ در ابتدا به شکل شفاهی بوده و سینه‌به‌سینه منتقل می‌شده است اما بعد شکل مکتوب می‌گیرد. تقریباً در تاریخ همه ملتها روایت را هم به شکل نظم و هم به شکل نثر می‌توان مشاهده کرد و این میزان اقبال بشر به روایت و داستان را نشان می‌دهد. در دنیای معاصر باوجود گسترش وسایل ارتباط جمعی، بازهم روایت و رمان، ارزش خود را از دست نداده است و چاپ‌های مختلف کتاب‌های داستانی این واقعیت را نشان می‌دهد. بررسی روایت نیز چون خود آن از قدیم مورد توجه بوده است و به پژوهش‌های ارسطو بازمی‌گردد. وی اولین فردی بود که به روشی مشخص به بررسی انواع روایت پرداخت. مطالعات روایت‌شناسی (Narratology) (السر) جدید نیز بر اساس مباحث ارسطو شکل گرفت (سیفی و ناظمی سجزی، ۱۴۰۰: ۶). در میان مکاتب گوناگون ادبی معاصر مکتب ساختارگرایی در بررسی داستان، انقلاب بزرگی را پدید آورد که عاقبت به بنیان‌گذاری علم روایت‌شناسی انجامید که گریماس (Grimas)، تودوروف (Todorov) و بارت (Barthes) از نام‌آوران آن به شمار می‌روند. (هارلند، ۱۳۸۰: ۱۴۷) روایت‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای مستقل با آثار ولادیمیر پراپ (Vladimir Propp)، ساختارگرایی روس آغاز شد. وی با نوشتن کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه (۱۹۲۸) به تحلیل نشانه‌شناختی داستان‌ها پرداخت. پراپ «دسته‌بندی آثار فولکلوریک را بر اساس قواعد صوری آنها انجام داد و این کارش را ریخت‌شناسی (Morphology) (مورفولوجیا القصة) خواند. او این اصطلاح را به معنای توصیف حکایت‌ها بر اساس واحدهای تشکیل‌دهنده آنها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و با کل حکایت به کار برد» (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۴۴). بعدها گریماس روایت‌شناسی خود را بر اساس ریخت‌شناسی حکایت پراپ استوار می‌کند؛ او همواره بر اهمیت مطالعات پراپ در مدل خویش تأکید کرده است؛ هرچند باید گفت: میان روش آن دو تفاوت‌های زیادی وجود دارد؛ پراپ از راه استقراء نتیجه‌گیری می‌کند و می‌خواهد از چند روایت واقعی، قوانین کلی را استخراج کند، ولی گریماس می‌کوشد در استخراج قوانین کلی روایت از ساختار جملات منفرد استفاده کند. او اعتبار این قوانین را با بررسی کردن روایت‌های واقعی می‌سنجد. به همین خاطر، کارکرد مدل او از مدل پراپ وسیع‌تر و گسترده‌تر است. (اشمیتس، ۱۳۸۹: ۶۸). بر این اساس این مقاله قصد دارد با روش تحلیلی-توصیفی، رمان اعجام «سنان انطون» را طبق نظریه گریماس مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. این رمان یک رمان سیاسی است که خفقان را در زمان حکومت بعث نشان می‌دهد. ساختار کلی داستان از مثبت به منفی است و از یکی از ساختارهای نظریه گریماس (ممنوعیت- نقض- مجازات) پیروی می‌کند و گزاره‌ها و زنجیره‌های روایی نظریه گریماس در آن قابل مشاهده است. پرسش‌هایی که مقاله حاضر

درصدد پاسخگویی به آن است عبارت‌اند از: الف) کنشگرهای شش‌گانه روایت‌شناسی گریماس در رمان اعجام کدام‌اند؟ ب) گزاره‌ها و زنجیره‌ها و طرح کلی رمان اعجام، بر اساس الگوی گریماس چیست؟

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

در مورد تطبیق نظریه روایی گریماس با داستان‌ها و رمان‌های معاصر عربی، پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است و پژوهشگران ادبیات عربی در ایران کمتر به سراغ این رمان‌ها رفته‌اند. در زیر به سه پژوهشی که در این زمینه صورت گرفته اشاره می‌شود: «نشانه معناشناسی ساختار روایی داستان «و ما تشاؤون» بر اساس نظریه گریماس» (۱۳۹۱) نوشته ناهید نصیحت، کبری روشنفکر، خلیل پروینی و فرزانه میرزایی که داستان مذکور را بر اساس فرایند نشانه معناشناسی گریماس تحلیل و بررسی کرده‌اند. «تحلیل ساختاری شخصیت‌های رمان بیروت ۷۵ غاده السمان بر اساس نظریه کنشی گریماس» (۱۳۹۵) نوشته مهین حاجی‌زاده و محدثه ابهن که در آن شخصیت‌های رمان، بر اساس الگوی کنشی گریماس واکاوی شده‌اند. «تحلیل ساختار شخصیت در رمان مصابیح اورشلیم علی بدر برمبنای نظریه کنشی گریماس» (۱۴۰۰) نوشته طیبه سیفی و زهرا ناظمی سجزی که در آن نویسندگان، شخصیت‌های این رمان را با نظریه کنشی گریماس تطبیق داده‌اند. در مورد رمان اعجام نیز دو مقاله عربی نوشته‌شده که عبارت‌اند از: «صورة الآخر فی الروایة العراقية» (روایة الاعجام نموذجاً) نوشته خداداد بحری و صادق البوغبیش که تصویر حزب بعث را در رمان اعجام بررسی می‌کند و «المونتاج السينمائی فی روايات سنان انطون علی ضوء آراء سرجی ایز نشتاین» نوشته محمدجواد پور عابد و همکاران که فن مونتاز سینمایی را در رمان اعجام مورد بررسی قرار داده‌اند؛ بنابراین در رابطه با تطبیق نظریه گریماس با رمان اعجام پژوهشی صورت نگرفته است.

### ۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی نشان می‌دهد تاکنون ساختار روایی رمان اعجام بر اساس الگوی گریماس مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته و پژوهشی در این خصوص ارائه نشده است، لذا با عنایت به اهمیت رمان مورد مطالعه و پتانسیل بالای آن برای تطبیق بر اساس الگوی گریماس، ارائه چنین پژوهشی ضرورت و اهمیت دارد. مقاله حاضر درصدد است که رمان اعجام را از جنبه روایی نظریه گریماس یعنی تحلیل ساختار کلی، عناصر روایی، گزاره‌ها و زنجیره‌های روایی بررسی کند.

### ۲. چارچوب نظری

پراپ استاد مردم‌شناسی دانشگاه لنین‌گرا، با انتشار کتاب ریخت‌شناسی که به‌عنوان شاهکار او به شمار می‌رود و به بسیاری از زبان‌ها ترجمه‌شده است، تأثیر عمیقی بر مباحث ساختارگرایی داشت (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۴۵). بعد از وی، آلژیرداس گریماس (متولد ۱۹۱۷

لیتوانی) از بحث‌های مورد نظر پراپ فراتر رفت. او به جای هفت دسته شخصیت پراپ از شش واحد یا کنشگر نام می‌برد که با هم مناسبت نحوی و معنایی دارند. این شش واحد عبارت‌اند: از ۱- فرستنده پیام ۲- گیرنده پیام ۳- موضوع ۴- یاری‌دهنده ۵- مخالف ۶- قهرمان. به نظر گریماس، گاهی همه این شش دسته در حکایتی وجود دارند و گاه تعدادی از آن مطرح می‌شوند (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۶۳). گریماس بین شخصیت‌های داستان و کنشگران تفاوت قائل می‌شود و معتقد است که با توجه به الگوی کنشی، ممکن است چند شخصیت در زیرمجموعه یک کنشگر قرار گیرند. او تمایز بین شخصیت داستان و کنشگر را در این حد می‌داند که شخصیت‌ها در هر داستان و روایت، ویژگی‌های مخصوص به خود دارند؛ اما کنشگران مفهوم‌های کلی هستند که در تمام روایت‌ها وجود دارند. (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۵۰)؛ مثلاً در هر داستان، قهرمان و شخصیت اصلی دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است اما کنشگر یا فاعل در نظریه گریماس که داستان حول محور او می‌چرخد، در تمام روایت‌ها مشترک و قابل تعمیم به تمام داستان‌ها است. گریماس در همه داستان‌ها و روایت‌ها به دنبال یک ساختار کلی و قابل تعمیم است و معتقد است همه داستان‌ها علی‌رغم تفاوت بین آنها، تابع یک ساختار کلی هستند. هدف او از تحلیل داستان آن است که به دستور جهانی روایت دست یابد؛ به عبارت دیگر، او در پی رسیدن به یک طرح کلی است که تمام روایت‌ها از آن پیروی کنند. وی معتقد است عناصر روایی، گزاره‌ها و زنجیره‌های روایی در همه داستان‌ها مشترک و قابل مشاهده هستند (سلدن، ۱۳۸۴: ۱۴۴). گریماس در تحلیل داستان به ساختار کلی روایت، گزاره‌های روایی و زنجیره‌های روایی می‌پردازد که در اینجا به توضیح مختصری از هر کدام می‌پردازیم.

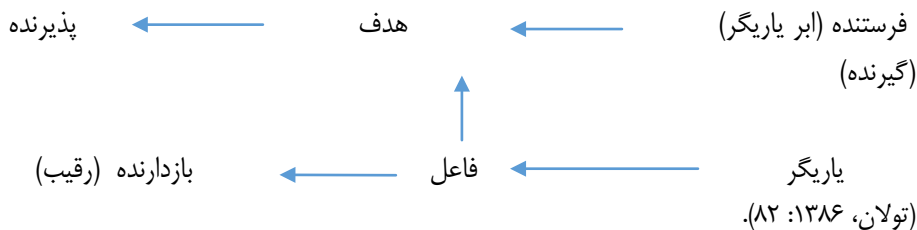
#### ۲-۱. ساختار کلی روایت

به نظر گریماس هر داستانی با یک صحنه شروع می‌شود و در آغاز داستان معمولاً وضعیت آرامی حاکم است که در اثر حادثه‌ای این آرامش دگرگون می‌شود. به نظر گریماس، برهم خوردن آرامش اولیه داستان، یا از نقض قراردادها (ممنوعیت‌ها) یا از فقدان قراردادها نشأت می‌گیرد. او معتقد است روایت ممکن است یکی از ساختارهای زیر را داشته باشد: الف) قرارداد (ممنوعیت) ← نقض ← مجازات.

ب) فقدان قرارداد (بی‌نظمی) ← وجود قرارداد (نظم). (سلدن، ۱۳۸۴: ۱۴۵). به نظر وی همه داستان‌ها تابع یکی از این دو ساختار هستند. بر اساس ساختار اول در داستان، تعدادی ممنوعیت یا قرارداد وجود دارد که توسط شخصیت‌های آن، نقض و شکسته می‌شود و این امر به مجازات آنها می‌انجامد یعنی حرکت داستان از مثبت به منفی است. بر اساس ساختار دوم، در ابتدای داستان، یک بی‌نظمی و نبود قرارداد را می‌بینیم اما در ادامه آن به نظم و وجود قرارداد می‌انجامد یعنی سیر کلی داستان از منفی به مثبت است.

## ۲-۲. عناصر روایی

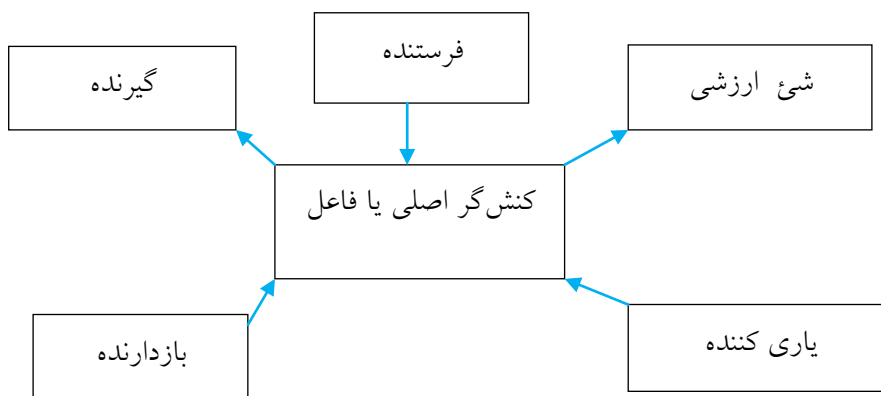
بر اساس نظریهٔ گریماس، شش نقش یا کنشگر در همهٔ روایات وجود دارند که سه جفت مرتبط با هم را ایجاد می‌کنند: ۱- فرستنده + پذیرنده (گیرنده) ۲- فاعل + مفعول (هدف) (موضوع شناسایی) ۳- یاریگر + بازدارنده (رقیب). این شش نقش را می‌توان به صورت نمودار زیر نشان داد:



## الگوی عوامل کنشی گریماس

- ۱- فاعل (کنشگر اصلی)، (قهرمان)، (شناسنده): شخصیتی است که کاری را به انجام می‌رساند و به سوی شیء ارزشمند (هدف) می‌رود. فاعل در کنش داستان، عنصری محوری است. فاعل شخصیت اصلی داستان است که کل داستان به گرد او می‌گردد.
- ۲- شیء ارزشی (هدف) (موضوع شناسایی): هدفی است که فاعل به سوی آن می‌رود و برای تحقق آن تلاش می‌کند. شخصیت اصلی در هر داستان هدفی دارد و برای رسیدن به آن از پای نمی‌نشیند. این همان شیء ارزشی در نظریهٔ گریماس است.
- ۳- فرستنده (تقاضاکننده): عامل یا نیرویی است که فاعل را به سوی هدف یا شیء ارزشی می‌فرستد و باعث تحریک و تشویق و ایجاد انگیزه در فاعل می‌شود تا برای رسیدن به هدفش به هر اقدامی دست زند. این عامل در نظریهٔ گریماس فرستنده نام دارد.
- ۴- گیرنده (کنش‌پذیر): کسی است که از اعمال فاعل سود می‌برد. در بسیاری از روایات گیرنده خود فاعل است. شخصیت یا شخصیت‌هایی در داستان وجود دارد که کارهای شخصیت اول داستان به نفع آنهاست و سود این اعمال به آنها می‌رسد این شخصیت یا شخصیت‌ها در نظریهٔ گریماس، گیرنده نام دارد.
- ۵- یاریگر (یاری‌دهنده): کسی که به فاعل در رسیدن به هدف کمک می‌کند. شخصیت یا شخصیت‌هایی در داستان هستند که با شخصیت اصلی داستان همکاری می‌کنند و باعث می‌شوند او به هدفش برسد. این‌ها یاریگران در نظریهٔ گریماس هستند.
- ۶- بازدارنده (مخالف) (رقیب): کسی که فاعل را از دستیابی به هدف بازمی‌دارد و مانع رسیدن او به هدف می‌شود. شخصیت یا شخصیت‌هایی در داستان وجود دارد که سد راه شخصیت اصلی داستان در رسیدنش به هدف می‌شوند این‌ها همان بازدارنده‌ها در نظریهٔ گریماس هستند (محمدی، ۱۳۸: ۱۱۴). باید توجه فرستنده اغلب یک احساس یا ویژگی فطری است که در همهٔ انسان‌ها وجود دارد (عشریه، موسوی و سازجینی، ۱۳۹۷: ۲۳). ممکن

است این شش عنصر در حکایتی وجود داشته باشند و گاهی تعدادی از آنها در روایت مطرح می‌شوند (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۶۳).



الگوی عناصر روایی گریماس

### ۲-۳. گزاره‌های روایی

به اعتقاد گریماس، هر روایت از گزاره‌های مختلفی تشکیل می‌شود. او آنها را در سه سطح جای می‌دهد:

(الف) گزاره وصفی: عبارت است از شرح شرایط و موقعیت و ویژگی‌ها و خصوصیات شخصیت اصلی داستان (قهرمان)

(ب) گزاره وجهی: در این گزاره، امیدها، آرزوها، باورها و دغدغه‌های ذهنی شخصیت اصلی داستان (قهرمان) معرفی می‌شود.

(ج) گزاره متعدی: دلالت بر انجام کار مشخصی دارد؛ و در آن جابه‌جایی ارزش یا تغییر موقعیت انجام می‌شود. یعنی گاهی ارزش‌های شخصیت اول داستان عوض و ارزش‌های دیگری برای او مهم می‌شود (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۴۷).

### ۴-۲. زنجیره‌های روایی

گریماس کل ساختار روایت را نتیجه سه توالی یا زنجیره می‌داند که از آنها به‌عنوان سه قاعده نحوی نام می‌برد.

(الف) زنجیره اجرایی: این زنجیره بر عمل یا مأموریتی دلالت دارد و آزمون‌ها و مبارزه‌ها را در برمی‌گیرد. توالی این زنجیره طرح اصلی داستان را تشکیل می‌دهد و ساختار روایی هر داستان وابسته به آن است.

(ب) زنجیره پیمانی (میثاقی): این زنجیره، وضعیت داستان را به‌سوی یک هدف راهنمایی می‌کند. ایجاد، نقض یک پیمان و بستن و شکستن در این زنجیره قرار می‌گیرد.

ج) زنجیره انفصالی (انتقالی): تمام دگرگونی‌ها و حرکت‌های روایت در این زنجیره قرار می‌گیرد. به نظر گریماس، اغلب داستان‌ها از وضعیتی منفی به وضعیتی مثبت یا از وضعیتی مثبت به منفی می‌رسند (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۶۲؛ اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۵۴).

### ۳. بحث و بررسی

#### ۳-۱. معرفی سنان انطون

سنان انطون شاعر و رمان‌نویس عراقی است که به سال ۱۹۶۷ در بغداد متولد شد. او از دانشگاه، لیسانس ادبیات انگلیسی گرفت. وی در سال ۱۹۹۱ بعد از جنگ خلیج فارس، به آمریکا مهاجرت کرد و در سال ۲۰۰۶ از دانشگاه هاروارد دکترای زبان و ادبیات عرب را اخذ کرد. اولین رمان او (اعجام) در سال ۲۰۰۳ به زیر چاپ رفت. او به‌جز نویسندگی در شاعری نیز دستی دارد. شعرهایش به زبان‌های آلمانی، ترکی، ایتالیایی، اسپانیایی و هندی ترجمه شده است. وی در حال حاضر استاد ادبیات عربی دانشگاه نیویورک است. (اعجام، ۲۰۱۳: ۳).

#### ۳-۲. خلاصه رمان اعجام

رمان اعجام که در فارسی به «نقطه‌ها» ترجمه شده، اولین رمان سنان انطون است که به سال ۲۰۰۳ آن را به رشته تحریر درآورد. او در این رمان، داستان دانشجویی مسیحی به نام «فرات» را روایت می‌کند که پدر و مادر خود را در تصادف از دست داده و با مادر بزرگ خود زندگی می‌کند. فرات که در زمان رژیم بعث صدام روزگار می‌گذراند، از طریق نویسندگی و طنز، به مبارزه با آن برمی‌خیزد. این امر باعث می‌شود توسط عمال رژیم بازداشت و روانه زندان شود و تحت شکنجه‌های روحی و جسمی قرارگیری. او در زندان به کمک یکی از زندانبانان به نام «احمد» که برایش کاغذ و قلم تهیه می‌کند، خاطراتش و اتفاقات زندان را به‌صورت پراکنده و بی‌نقطه می‌نویسد تا از عواقب احتمالی آن در امان بماند. او با استفاده از فن پس‌نمایی (فلش بک) به گذشته برمی‌گردد و خاطراتش را با مادر بزرگ، نامزد و برخی دوستانش مرور می‌کند. این رمان از جمله رمان‌هایی است که یک سیر منطقی ندارد، بلکه دائماً از حال به گذشته و از گذشته به حال برمی‌گردد.

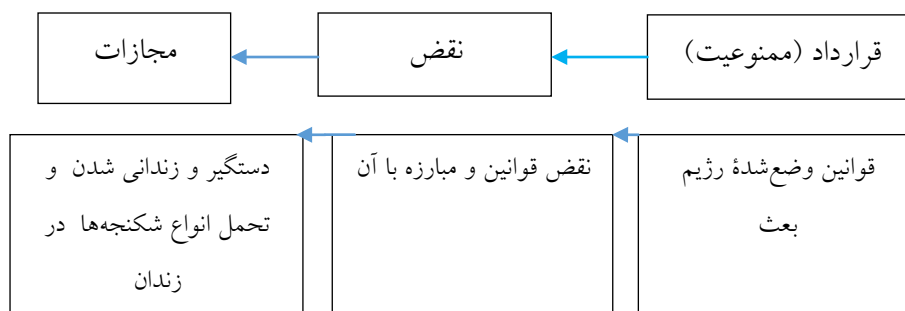
زمان در رمان اعجام گاهی به جلو می‌رود و گاهی از طریق فلش بک به عقب برمی‌گردد و این‌گونه گذشته با حال درمی‌آمیزد. در آخر داستان، فرات در تصورات خود، رژیم بعث را ساقط شده می‌بیند، او از زندان آزاد می‌شود؛ اما هیچ تغییر مثبتی را مشاهده نمی‌کند و به‌جز تغییرات بی‌اهمیت چون دست‌کاری عکس صدام یا شعارهای روی دیوار، اتفاق مثبتی رخ نداده است و حتی اوضاع به‌مراتب بدتر و اموال عمومی تخریب شده است. مثلاً او تلفن عمومی سالمی را نمی‌یابد که با آن با نامزدش تماس بگیرد و اتوبوس‌های بین‌شهری همگی متوقف شده‌اند و خدمات شهری به تعطیلی کشیده شده است؛ اما این



آزادی فقط در تصورات فرات است و در پایان رمان می‌بینیم که او هنوز در زندان است. دست‌نوشته‌های او بعد از مدتی و با جابه‌جایی مکان زندانیان، به دست رژیم بعث می‌افتد و از آن رمزگشایی می‌شود. رمان اعجام، از جمله رمان‌های پایان باز محسوب می‌شود و به خواننده اجازه می‌دهد تا برای آن هر پایانی را تصور کند و به این طریق در تولید معنا سهیم شود. فضایی که رمان اعجام تصویر می‌کند، فضایی پر از تهدید، خفقان، استبداد، بازجویی و اهانت است. تا پایان رمان هم کسی که فرات را لو داده مشخص نمی‌شود تا پنهان‌کاری و ترس تا آخر، در فضای رمان باقی بماند.

### ۳-۳. ساختار کلی رمان از منظر نظریه گریماس

بر اساس دیدگاه گریماس، ساختار کلی رمان اعجام بر اساس قرارداد (ممنوعیت) ← نقض ← مجازات است؛ در این داستان، رژیم بعث برای خود قوانینی را وضع کرده و هرگونه مخالفتی را با شدیدترین شکل پاسخ می‌دهد. فرات این ممنوعیت را نقض کرده و با نوشته‌ها و طنزهایش به مبارزه با رژیم برمی‌خیزد و از طرف عمال آن دستگیر و مجازات می‌شود.



نمودار ساختار کلی رمان اعجام

جهت ترسیم بهتر موضوع، در زیر نمونه‌هایی از ممنوعیت (قرارداد)، نقض و مجازات از متن رمان می‌آوریم.

#### الف) قرارداد (ممنوعیت)

۱- رژیم بعث، فقط مطالبی را منتشر می‌کند که در راستای اهداف او باشد و چاپ مطالب دیگر در روزنامه‌ها ممنوع است. فرات تلاش می‌کند نوشته‌هایش را در یکی از روزنامه‌ها چاپ کند، یکی از دوستانش واسطه بین او و سردبیر می‌شود؛ اما سردبیر به دلیل اینکه نوشته با اهداف رژیم سازگار نیست از چاپ آن خودداری می‌کند. در این نمونه، ممنوعیتی که رژیم بعث برای نویسندگان ایجاد کرده بود، مشخص می‌شود و در زیر مجموعه ممنوعیت نظریه گریماس قرار می‌گیرد:

«أقنعني خالد ذات مرة بأن أحاول نشر بعض نصوصي في جريدة الجمهورية. و عرض أن يأخذها بنفسه للمحرر الثقافي الذي كان على معرفة به كان يكتب الجريدة قريباً من الجامعه. لم أكن متحمساً. فهم كانوا ينشرون لمن

یکتب مثلهم أو یطبل ویزمر. لکنه أصر ووافق مع اقتناعی بالنتیجه. أعطیته نصاً حزیناً عن هلوسة أم تنتظر جثمان ابنها الوحيد الذی مات فی الحرب ورفض المحرر الثقافی أن ینشره لأنه لم یکن تعویباً علی حدّ قوله.» (انطون، ۲۰۱۳: ۳۴).

۲- در حکومت بعث، مردم تحت فشارهای شدید حق اعتراض و جرئت مخالفت ندارند. فرات، دوستش فلاح و بسیاری دیگر برای گرفتن معافیت پزشکی، ساعت‌ها در صف طولانی و در زیر آفتاب داغ مردادماه می‌ایستند اما هیچ‌کس جرئت اعتراض ندارد. این نمونه ممنوعیت هرگونه اعتراضی حتی تحت شرایط سخت را نشان می‌دهد. پس با ممنوعیت نظریه گریماس قابل تطبیق است:

«نظرت إلى فلاح الذی ابتسم بسخریة وهز رأسه من دون أن یقول شیئاً. أما صاحب النظارات السمیکه فقد دمدم شیئاً لم أفهمه. كان الإزعاج والتملل واضح فی العیون المتعبه. ولكن من سيجرؤ علی أن یقول شیئاً؟» (انطون، ۲۰۱۳: ۲۸).

۳- وقتی دانش آموزان را برای راهپیمایی‌های در تأیید رژیم می‌برند، تمام مسیرها توسط عمال رژیم کنترل می‌شود و هیچ دانش‌آموزی حق خروج از مسیر راهپیمایی را ندارد. این نمونه، ممنوعیت خروج از دستورات رژیم بعث حتی برای دانش‌آموزان را نشان می‌دهد که با ممنوعیت نظریه گریماس منطبق است:

«بدأنا بالخروج حاملین الأعلام واللافتات الّتی وزعها الرفاق أعضاء إلتحاد. ووصلنا إلى شارع الأعظمیة الرئیسی. وبدأنا بالتوجه نحو باب المعظم، حیث كان من المنتظر أن تلتقی كل المسیرات كانت الشوارع الفرعیة محروسة من قبل الرفاق الّذین كانوا یمنعون أی طالب من التسرّب» (انطون، ۲۰۱۳: ۳۹).

(ب) نقض:

۱- رژیم قرارداد و قوانینی را وضع کرده و ممنوعیت‌هایی را برای مردم قرار داده است. فرات با هنر نویسندگی و به‌وسیله قلمش که به منزله تفنگ است، این ممنوعیت‌ها را نشانه می‌رود و آنها را نقض می‌کند تا به قول خود، کارها را به سروسامان برگرداند. این نمونه در زیرمجموعه نقض نظریه گریماس قرار می‌گیرد:

«باسم الشعب والأمة كنت أوجه فوهة قلمی اللامرئی وأعيد الأمور إلى نصابها» (انطون، ۲۰۱۳: ۱۴).

۲- رژیم بعث برای خود شعارها و سرودهایی حماسی دارد که از آنها در مراسمات مختلف استفاده می‌کند. فرات این شعارها و سرودها را بر طبق میل خودش دست‌کاری می‌کند تا معنایی مخالف معنای اصلی از آن به دست آید و بدین طریق، قوانین و قراردادهای رژیم را می‌شکند. پس این نمونه را می‌توان در زیرمجموعه نقض نظریه گریماس قرار داد:

«لكی لا أصاب بالجنون إزاء الأغانی والشعارات والقصائد الّتی كانت وزارة السخافة والایهام تقصّفنا بها یومیاً، كنت أتلاعب بترتیب الكلمات والصورة. بدأت بالأغانی السیاسیة وبلمسات بسیطة هنا وهناك كانت تصبح أكثر واقعیة» (انطون، ۲۰۱۳: ۱۴).

۳- طنزپردازی و لطیفه گفتن در مورد صدام و شخصیت‌های اول رژیم بعث ممنوع است. فرات این ممنوعیت را می‌شکند و لطیفه‌هایی می‌سازد و آن را با لهجه تعریف می‌کند و همین موضوع باعث دستگیری او می‌شود. این بخش از رمان، قابل تطبیق با نظریه نقض

گریماس است: «تری ماذا أعدوا لی؟ کان سرمد علی حقاً هل كتب أحدهم تقریراً عَنی؟ ربّما سجّلوا لی شیئاً؟ واحدة من النکات الّتی أردّها أو صوتی وأنا أقد صدقت جدّتی» (انطون، ۲۰۱۳: ۱۵).

### ج) مجازات

۱- فرات ممنوعیت‌های رژیم را نقض می‌کند و توسط عمال آن مجازات می‌شود و مورد آزار بدنی قرار می‌گیرد. او در روز بازداشتش مقاومت می‌کند ولی بازجو ضربه سختی را به پشت سرش وارد می‌کند که این درد تا چند روز باقی می‌ماند؛ هرگاه بازجو، موهایش را می‌کشد این درد شدت می‌گیرد و روی بینی‌اش را با دستمال آغشته به خون و عرق می‌پوشاند. این نمونه حکایت از مجازات فرات توسط رژیم بعث دارد که با اصطلاح

مجازات در نظریه گریماس قابل تطبیق است: «أشعرُ بألمٍ شدیدٍ فی مؤخرة الرأس بفعل الضربة الحادة الّتی تلقّيتها بعد مقاومتی، یفاقمه هو حين یشدّ شعری أو یدفع رأسی إحياناً نحو الأسفل بیده البسری. فیمرغ أنفی فی القماش الرصاصی الّذی تستعمله رائحة تنّنة تمزجُ بین العرق وبقع الدم والوسخ المتراکم» (انطون، ۲۰۱۳: ۳۶).

۲- عمال رژیم، فرات را به زندان می‌اندازند و او را در راهرویی تاریک و سرد می‌کشند. یکی از زندانبانان که شخصی چاق و بزرگ جثه است او را به سمت راست هل می‌دهد تا مورد بازجویی قرار گیرد. این مورد نشان می‌دهد که چگونه فرات را با تحقیر به سمت اتاق بازجویی می‌برند و این نشانگر مجازات مخالفان، توسط رژیم بعث است که در زیرمجموعه مجازات نظریه گریماس قرار می‌گیرد: «اقتادونی فی ممرّ صیق بارد ثم دفع بی البدین إلی داخل غرفة علی الیمین. قال له رجل کان یجلس وراء المکتب داخلها بأنّه سیتدعیه عندما ینتهی» (انطون، ۲۰۱۳: ۴۳).

۳- فرات را به خاطر مخالفت‌هایش با رژیم بازداشت می‌کنند و به اداره اطلاعات برده می‌شود. در این هنگام قطرات عرق بر پیشانی‌اش می‌نشیند و قلبش تند می‌زند. در این قسمت از رمان، مجازات رژیم بعث مشخص است؛ همچنین ترسی که فرات به هنگام دستگیر شدنش دارد، تأثیر این مجازات را در روح و روان او نشان می‌دهد که این خود نیز مجازات مضاعفی برای اوست. پس این نمونه با مجازات نظریه گریماس مطابقت دارد: «ترکت السیارة الطریق السریع، متجهً نحو شارع النضال أیقنت أننا کنا نتجه نحو «الأمن العامة» ترایدت قطرات العرق علی جبینی وصار قلبی قبيلة من الطبول الّتی تطارد بعضها بعضاً» (انطون، ۲۰۱۳: ۱۶).

### ۳-۴. عناصر روایی رمان اعجام

در رمان اعجام شش عنصر نظریه گریماس یافت می‌شود:

#### ۱- فاعل یا شناساننده (قهرمان)

فاعل و کنش‌گر اصلی این رمان طبق نظریه گریماس «فرات» است. کل رمان گرد محور فرات می‌گردد. او تمام حوادث داستان را رقم می‌زند. در ابتدا به مخالفت با رژیم برمی‌خیزد و در این مسیر دستگیر می‌شود و به زندان می‌افتد و در زندان تحت شکنجه قرار می‌گیرد. در آنجا هم‌دست از نوشتن بر نمی‌دارد و خاطرات خود را روی کاغذها به صورت بدخط و بی‌نقطه می‌نویسد تا از تبعات آن در امان بماند.

## ۲-هدف (موضوع شناسایی)

هدف در این رمان، مبارزه با رژیم بعث است که یک مفهوم است نه یک شخصیت و فرات در صدد تحقق و دستیابی به آن است. او که در نویسندگی دستی بر آتش دارد، سعی می‌کند از این طریق مخالفت خود را با رژیم نشان دهد. وی همچنین با تغییر بعضی اشعار ملی و سیاسی و نیز بعضی تعابیر مثل حزب بعث به جای حزب بعث، آشکارا به مبارزه با آن برمی‌خیزد.

## ۳-گیرنده (پذیرنده)

در این داستان، گیرنده یعنی کسی که از کنش فاعل سود می‌برد، خود فرات و در نهایت مردم عراق هستند که از مبارزه‌های سیاسی امثال فرات سود برده و از زیر یوغ استبداد رها می‌شوند؛ ولی چون این رمان از جمله رمان‌های پایان باز محسوب می‌شود و در انتهای داستان، هنوز فرات در زندان به سر می‌برد، گیرنده یا پذیرنده، به طور دقیق مشخص نیست. گیرنده گاهی خود فاعل است و گاهی نیز شخصی غیر از فاعل است.

## ۴-فرستنده

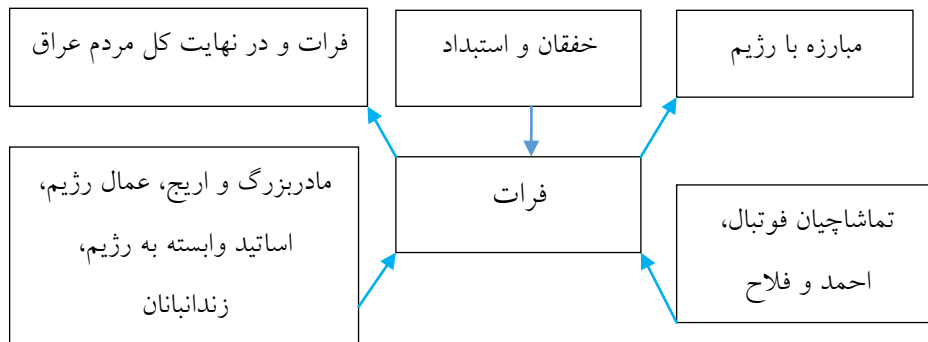
فرستنده، عامل یا نیرویی است که فاعل را به دنبال هدفی می‌فرستد. گاهی فرستنده یک احساس درونی یا یک تفکر است و گاه فرد یا افرادی خاص. در این داستان، فرستنده، خفقان و استبداد رژیم بعث و تفاوت فاحش بین شعارها و عملکردهایشان است که فرات را به مبارزه می‌کشاند. خفقان رژیم بعث تا جایی است که در مهد کودک‌ها از بچه‌ها پرس‌وجو می‌شود تا به افکار خانواده‌هایشان در مورد رژیم پی برده شود یا شعار آزادی بیان داده می‌شود ولی در عمل مطالبی که در انتقاد از حکومت بعث باشد، چاپ نمی‌شود. این موارد، فرات را به مبارزه با رژیم می‌کشاند و به‌عنوان فرستنده در این رمان عمل می‌کند.

## ۵-یاریرگر

در مسیر داستان همیشه یاریگر یا یاریگرانی وجود دارند که به فاعل در رسیدن به هدف کمک می‌کنند. در رمان اعجام تماشاچیان فوتبال که گروه «الزوراء» را در مقابل «الرشید» که تیمی وابسته به رژیم است، تشویق می‌کنند و این‌چنین مخالفت خویش را ابراز می‌دارند؛ از یاریگران هدف این داستان شمرده می‌شوند. همچنین احمد، یکی از زندانبانان زندان که برای فرات کاغذ و قلم تهیه می‌کند تا بتواند خاطرات خود و وقایع زندان را بنویسد نیز از جمله یاریگران است. «فلاح» دوست فرات که از قرار دادن عکس صدام در صدر نمایشگاهش امتناع می‌کند هم یاریگر این هدف محسوب می‌شود.

## ۶- بازدارنده

بر اساس نظریه گریماس کسی که از رسیدن فاعل به هدف جلوگیری می‌کند، بازدارنده نام دارد. بازدارنده فرد یا افراد و گاه یک تفکر یا احساس است. در این رمان چند بازدارنده وجود دارد: ۱- مادربزرگ فرات و اریج نامزدش که همیشه او را از درگیری با رژیم باز می‌دارند؛ و در این خصوص به او هشدار می‌دهند. ۲- عمال رژیم که همه جا مراقب افراد هستند تا افراد مشکوک را دستگیر کنند. ۳- اساتید وابسته به رژیم که در کلاس‌های درس، مراقب افکار و حرکات دانشجویان هستند. ۴- زندانبانانی که زندانیان را تحت شدیدترین فشارهای روحی و جسمی قرار می‌دهند.



نمودار عناصر روایی رمان اعجام

## ۳-۵. گزاره‌های روایی رمان اعجام

به باور گریماس هر داستان از سه گزاره تشکیل شده که این سه گزاره در رمان اعجام قابل تطبیق است و در زیر به آنها می‌پردازیم.

## ۳-۵-۱. گزاره وصفی

شرح ویژگی‌ها، خصوصیات، موقعیت‌ها و شرایط قهرمان داستان در این گزاره قرار می‌گیرد فرات دانشجوی رشته زبان انگلیسی، مسیحی، نویسنده، معاف از خدمت سربازی به علت ضعفی که در قسمت چپ بدنش وجود دارد، عاشق شعر جواهری، منتقد وضع موجود جامعه و مخالف رژیم بعث است. در این رمان به شکل مستقیم به این ویژگی‌ها اشاره نمی‌شود؛ بلکه فرات در زندان به شکل بازگشت به گذشته (فلش بک) خاطرات خود را مرور می‌کند و خواننده از این طریق پی به ویژگی‌های او پی می‌برد. نمونه‌هایی از این گزاره را در زیر می‌آوریم؛

الف) فرات علاقمند به اشعار جواهری است و بسیاری از آن‌ها را در خاطر دارد. همیشه هنگامی که با نامزدش اریج است، آنها را زمزمه می‌کند. اریج از کثرت این اشعار تعجب می‌کند. این نمونه از رمان، یکی از ویژگی‌های فرات را که به شعر و شاعری به خصوص

اشعار جواهری علاقه دارد را نشان می‌دهد. پس می‌توان آن را در گزارهٔ وصفی نظریهٔ گریماس جای داد:

«كنت دائم التردد لشعر الجواهری وأنا مع أريج حتى تعجبت لكثير ما كنت قد حفظت من شعره .... وقالت إنه لو يدرى بما أُرِّدده عنه لعينني مديراً لعلاقته العامه» (انطون، ۲۰۱۳: ۹۱).

ب) فرات از خدمت سربازی معاف می‌شود چون در زمان کودکی، غدهٔ خوش‌خیمی را از سمت راست مغزش بیرون آورده بودند. به همین دلیل سمت چپ بدنش ضعیف‌تر از سمت راست است. این قسمت، یکی از شرایط فرات را توضیح می‌دهد که همین امر باعث معافیت او می‌شود. پس در گزارهٔ وصفی نظریهٔ گریماس قرار می‌گیرد:

«ذکرتها بأني معفى من الخدمة العسكرية لأني أشكو من ضعف في أطرافى اليسرى. وهذه ليست منة من الحكومة بل بسبب سرطان غير خبيث استئصل من الجانب الأيمن من دماغي عندما كنت طفلاً.» (انطون، ۲۰۱۳: ۲۲).

ج) فرات نویسنده، شاعر و طنزپرداز است. او گاهی اوقات متن‌هایی را برای روزنامه‌ها می‌نویسد و منتظر چاپ آنها می‌ماند. در اکثر مواقع این متن‌ها به دلایل سیاسی چاپ نمی‌شوند. این نمونه نیز یکی از خصوصیات فرات را که نویسنده‌گی است نشان می‌دهد. هرچند نوشته‌های او باب طبع عمال رژیم بعث نبوده و بسیاری از آنها هرگز چاپ نمی‌شوند، پس می‌توان آن را در گزارهٔ وصفی نظریهٔ گریماس جای داد:

«ذهبت لأشترى الجرائد كعادتى و شاهدتُ عدداً جديداً من مجلة (اليوم السابع) و كنت قد أرسلت لهم نصاً كنت أترقب نشره» (انطون، ۲۰۱۳: ۹۹).

### ۳-۵-۲. گزارهٔ وجهی

در گزارهٔ وجهی آرزوها، امیدها، دغدغه‌های ذهنی و باورهای قهرمان داستان شرح و توصیف می‌شود. در اینجا به چند نمونه از این گزاره اشاره می‌شود:

الف) فرات برای گرفتن معافیت به وزارت دفاع می‌رود. صف طولانی و گرمای هوای مردادماه، همه را کلافه می‌کند اما هیچ‌کس جرئت اعتراض ندارد. او به وزارت دفاع کنایه می‌زند و می‌گوید: گویا باقی‌ماندن ما در آفتاب داغ، درمان جدیدی است که این وزارتخانه برای معاف‌شدگان ابداع کرده است. در این قسمت، فرات از باور ذهنی خود پرده برمی‌دارد و دغدغهٔ خود را مطرح می‌کند، پس می‌توان آن را در گزارهٔ وجهی نظریهٔ گریماس جای داد:

«ربما كان إبقاءنا واقفين تحت الشمس الحارقة لأمد غير معروف علاجاً من نوع جديد استحدثه وزارة الدفاع» (انطون، ۲۰۱۳: ۲۷).

ب) در پایان داستان، فرات هنوز در زندان است اما در خیال خود تصور می‌کند که رژیم بعث ساقط‌شده و او از زندان آزاد می‌شود. در این هنگام، نسیم آزادی را بر چهره‌اش حس می‌کند و با خود می‌گوید آیا احساسی زیباتر از آزادی در هستی وجود دارد؟ این خیال، آرزوی فرات را به‌رغم بودنش در زندان نشان می‌دهد. پس در زیرمجموعهٔ گزارهٔ وجهی نظریهٔ گریماس قرار می‌گیرد:

«خطر لی فکره بسیطة وعميقة فی الوقت نفسه: أليست الحرية أجمل إحساس فی الوجود؟» (انطون، ۲۰۱۳: ۱۲۲).  
 ج) بعد از اینکه فرات از خدمت سربازی معاف شد، بیان می‌کند، من و فلاح از این که معاف شدیم خوشحال نبودیم فقط احساس آسودگی و راحتی داشتیم چون مرگمان تا جنگ یا کمیته دیگری به تعویق افتاد. این قسمت، باور فرات را در مورد موضوع معافیت نشان می‌دهد، پس در گزاره وجهی نظریه گریماس قرار می‌گیرد:  
 «لم نشعر بفرح غامر بل براحة هادئة لأننا عرفنا أن موتنا سيؤجل حتى إشعار آخر، أو لجنة آخر أو حرب أخرى» (انطون، ۲۰۱۳: ۳۱).

### ۳-۵-۳. گزاره متعدی

گزاره متعدی بر انجام کاری دلالت دارد. تمام کارهای شخصیت‌های داستان، جابجایی ارزش‌ها یا تغییر موقعیت در این گزاره قرار می‌گیرد؛ یعنی گاهی ارزش‌های شخصیت‌های داستان در طول آن تغییر می‌کند یا موقعیت‌های آنها متفاوت می‌شود. همه این‌ها زیرمجموعه گزاره متعدی هستند. نمونه‌هایی از گزاره متعدی در زیر آورده می‌شود.  
 الف) فرات در زندگی خصوصی‌اش همیشه با قوانین مخالفت می‌کند و برای مبارزه با رژیم بعث، از هر راهی استفاده می‌کند و به روش خود از آن انتقام می‌گیرد مثلاً او در زمان کمبود دستمال توالت از صفحه اول روزنامه‌ها استفاده می‌کند که عکس صدام روی آن منتشر شده است و پر از سرمقاله‌ها و تصاویر است. این نمونه نشان می‌دهد که فرات برای مبارزه با رژیم بر انجام کاری تأکید می‌ورزد پس این قسمت در زیر عنوان گزاره متعدی نظریه گریماس قرار می‌گیرد:

«كيف أقول لها، في تلك المرحلة المبكرة، بأنني أخالف القوانين في حياتي الخاصة باستمرار وأنتقم من النظام على طريقي الخاصة. فكلما كانت هناك أزمة التواليت كنا نضطر لاستعمال الجرائد. وكنت أختار الصفحة الاولى لأنها تحفل بالصور وبالإفتتاحيات.» (انطون، ۲۰۱۳: ۱۱۷).

ب) فرات در زندان خاطرات خود را می‌نویسد ولی گاهی اوقات هم از ترس زندانبانان آن‌ها را پاره کرده و می‌بلعد. این نمونه نیز کار و اقدام عملی فرات را که همان بلعیدن نوشته‌هاست، از ترس اتفاقات بعدی نشان می‌دهد که در گزاره متعدی قرار می‌گیرد:  
 «مزقت ما كتيبه وابتلعته خوفاً مما يحدث» (انطون، ۲۰۱۳: ۱۰۰).

ج) فرات در سخنرانی‌های حزب بعث به‌عنوان نوعی اعتراض دست‌هایش را در جیبش قرار می‌دهد و از دست زدن خودداری می‌کند. بقیه به او هشدار می‌دهند که عمال رژیم برای کسانی که تشویق نمی‌کنند، گزارش می‌نویسند اما او توجهی نمی‌کند. در این مورد، فرات برای نشان دادن مخالفت با رژیم، عملی چون تشویق نکردن و دست نزدن را انجام می‌دهد و که می‌توان آن را در زیرمجموعه گزاره متعدی نظریه گریماس قرار داد:  
 «كنت أضع يدي في جيوبى وكنت قد توقفت عن التصفيق من أيام الثانوية كنوع من الرفض الصامت، برغم تحذيرات البعض من أنهم يكتبون تقارير عن لا يصفق.» (انطون، ۲۰۱۳: ۶۴).

## ۳-۶ زنجیره‌های روایی

گریماس ساختار روایت را نتیجه سه زنجیره می‌داند، این سه زنجیره عبارت‌اند از:

## ۳-۶-۱. زنجیره پیمانی

ایجاد یک پیمان یا شکستن آن یعنی بستن یا گسستن آن در این زنجیره قرار می‌گیرد. در رمان اعجام، فرات، دانشجوی مسیحی، با دیدن خفقان و استبداد رژیم بعث عراق و همچنین تضاد شعارهای آن با واقعیت‌های جامعه با خود پیمان می‌بندد که از طریق نویسندگی و طنزپردازی و تغییر دادن شعارهای سیاسی و ملی با آن مبارزه کند؛ اما این پیمان به سرانجام خود نمی‌رسد، زیرا عمال رژیم همه‌جا در پی مخالفان هستند. پس فرات دستگیر و زندانی می‌شود؛ اما او در زندان نیز دست از نوشتن بر نمی‌دارد و با نوشتن خاطرات و تغییر بعضی کلمات مبارزه خود را ادامه می‌دهد. مثلاً «قائد» را به صورت «قاعد»، «وزاره الثقافه و الاعلام» را به صورت «وزاره السخافة» و حزب «بعث» را به صورت حزب «عبث» می‌نویسد و بدین صورت حتی در زندان نیز انزجار خود را از رژیم نشان می‌دهد.

الف) فرات بین شعارهای رژیم و عملکرد آن، تضاد و تعارض می‌بیند، پس به مبارزه با آن برمی‌خیزد. او تناقضی اساسی در بیانیه رژیم بعث مشاهده می‌کند. وی در این بیانیه می‌خواند که همه ملت دوستدار رژیم هستند اما در واقعیت چیز دیگری می‌بیند. فرات به دلیل همین تناقضات، دست به مخالفت می‌زند. شکستن پیمان مردم با رژیم بعث در اینجا اتفاق می‌افتد پس در زنجیره پیمانی قرار می‌گیرد:

«لاحظت مبكراً أن هناك تناقضاً جوهرياً في هذا الخطاب ..... فلقد تعلمنا أن الشعب كله يحبّ الحزب والثورة لما قدّمه لنا من منجزات. فلماذا ومن أين كل هؤلاء الأعداء.» (انطون، ۲۰۱۳: ۶۱).

ب) از موارد دیگری که فرات را به مخالفت می‌کشاند، دروغ‌های رژیم بعث به مردم است. در جنگ ایران و عراق، اطلاعیه‌های نظامی رژیم بعث، حجم خسارت‌های جبهه را به مردم گزارش نمی‌دهند اما تابوت‌های پرچم پیچ شده که از جبهه‌ها آورده می‌شود از تلفات سنگین، پرده برمی‌دارد. همین دروغ‌های رژیم، نوعی نقض پیمان رژیم با ملت است که فرات را به مبارزه می‌کشاند که می‌توان آن را در زنجیره پیمانی نظریه گریماس قرار داد:

«كانت السيارات التي تحمل الشهداء الملفوفين بالأعلام قد بدأت تصل من الجبهة معلنة حجم الخسائر التي لاتعلنها البيانات العسكرية.» (انطون، ۲۰۱۳: ۶۳).

## ۳-۶-۲. زنجیره انفصالی (انتقالی)

تمام دگرگونی‌ها و حرکت‌های داستان در این زنجیره قرار می‌گیرد. بعضی داستان‌ها از وضعیت مثبت به منفی و برخی دیگر از منفی به مثبت می‌رسند.

در این رمان سیر حرکت داستان از مثبت به منفی است. فرات دانشجوی رشته زبان انگلیسی است که به خاطر فوت پدر و مادرش با مادر بزرگش زندگی می‌کند. او نویسنده است و زندگی آرامی دارد اما به خاطر نوشته‌ها و مخالفتش با رژیم دستگیر می‌شود و در



زندانبان بعث تحت شکنجه قرار می‌گیرد و تا آخر داستان در زندان باقی می‌ماند. او در زندان هم به نوشتن ادامه می‌دهد و مخالفتش را در نوشته‌هایش ابراز می‌دارد؛ ولی مسیر حرکت داستان در ذهن فرات و تصورات او به سمت مثبت است. وی در خیال خود روزی را می‌بیند که حزب بعث سرنگون شده است و سران آن به لیبی گریخته‌اند. فرات به‌عنوان زندانی سیاسی، آزاد می‌شود و نسیم آزادی را بر چهره‌اش احساس می‌کند و دوباره در خیابان‌های بغداد قدم می‌زند، اما این فقط در تصورات و نوشته‌های اوست نه در واقعیت داستان.

داستان ابتدا با آرامش شروع می‌شود. او جلوی دانشکده منتظر اریح است و به دو تکه ابری که در آسمان خودنمایی می‌کنند می‌نگرد تا اینجا وضعیت آرامی حکم فرماست و اوضاع مثبت است. این نمونه که حاکی از آرامش اولیه قهرمان داستان است در زنجیره انفضالی جای می‌گیرد:

(الف) «كنت أرقب غيمتين كانتا تتساحقان بصمت في سماء بغداد. ثم هربتا غرباً، ربّما خجلا، وتركتاني جالسا على مصطبة تحت النخلة الفرنسية... حيث كنت انتظر اريح ككل صباح.» (انطون، ۲۰۱۳: ۱۱).

اما در پایان داستان هنوز فرات در زندان است و وضعیت او تغییری نکرده است. او از زندانبان احمد می‌خواهد که دوباره برایش کاغذ بیاورد تا همچنان به نوشتن ادامه دهد. این نمونه نشان می‌دهد که سیر حرکت داستان به سمت منفی بوده است چون او تا آخر داستان زندانی است و تغییر مثبتی را در وضعیت او نمی‌بینیم. پس در زنجیره انفضالی نظریه گریماس قرار می‌گیرد:

(ب) «هذه هي الورقة الأخيرة. متى يجيء أحمد ثانية؟ سأطلب منه أن يتصل بجدتي وباريح ليطمئنهما على ولتعرفا بآتي هنا (ك). سيطفئون النور بعد قليل. أين أنت يا أحمد؟» (انطون، ۲۰۱۳: ۱۲۴).

### ۳-۳-۳. زنجیره اجرائی

این زنجیره بر عمل یا مأموریتی دلالت دارد و زنجیره آزمون‌ها و مبارزه‌های داستان در آن قرار می‌گیرد. فرات در این رمان، به‌عنوان فاعل از طریق ساختن طنز بر ضد حکومت بعث، مخالفتش را اعلام می‌کند و با نوشتن علیه آن، بر آن رژیم می‌شورد. خودداری از دست زدن در تجمع‌های دانشگاهی، با اینکه به عواقب آن آگاه است، رأی دادن به شخصیت‌های کارتونی و بازیگران فوتبال به جای رأی دادن به شخصیت‌های حقیقی، تغییر بعضی کلمات در اشعار حماسی، سیاسی و ملی تا به قول خودش به واقعیت نزدیک شود، استفاده از صفحه اول روزنامه به جای دستمال توالی و عدم عضویت در حزب بعث، با آگاهی از اینکه ممکن است اجازه ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد را به او ندهند، از دیگر کارکردهای او در مسیر مبارزه با رژیم است.

(الف) فرات در انتخابات شورای دانشجویی به شخصیت کارتونی میکس موس و دانشجویی به نام فلاح حسن رأی می‌دهد و به این صورت مخالفت خود را با این

انتخابات نشان می‌دهد و قدم در راه مبارزه می‌گذارد به همین دلیل در زنجیره اجرایی جای می‌گیرد:

«كنتُ قد انتخبت «میکي ماوس» في السنة الماضية، هم لا يقرؤون هذه القصصات الورقية اساساً وهذه السنة اخترتُ طالباً اسمه فلاح حسن.» (انطون، ۲۰۱۳: ۳۶).

ب) فرات عضو حزب بعث نمی‌شود و از نظر سیاسی مستقل می‌ماند و با این روش تعارض خود را با رژیم ابراز می‌دارد. با وجود اینکه تهدید می‌شود که عمال رژیم بعث با ورودش به دوره کارشناسی ارشد مخالفت خواهند کرد. در این نمونه نیز روش دیگری از مبارزه فرات قابل مشاهده است که در کنار مبارزات دیگر وی در طول داستان، زنجیره اجرایی را می‌سازند:

«بقيت مستقلاً ورفضتُ أن أتمى في الجامعة بالرغم من أني هددتُ بأهم لن يوافقوا على دخولي برنامج الماجستير إذا لم أتم.» (انطون، ۲۰۱۳: ۶۳).

با تمام تفصیلی که گفته شد می‌توان گفت که عناصر، گزاره‌ها و زنجیره‌های روایی نظریه گریماس در رمان اعجاز به خوبی قابل تفکیک است.

#### ۴. نتیجه

۱- بررسی القاگر این مسئله است که رمان اعجاز بستر و جامعه مطالعاتی مناسبی برای پیاده‌سازی الگوی گریماس است؛ زیرا اگر به باور این نظریه پرداز همه روایت‌ها از یکی از این دو ساختار پیروی می‌کنند: قرارداد (ممنوعیت) - نقص - مجازات. ۲- بی‌نظمی (عدم قرارداد) - وجود نظم (قرارداد)، رمان اعجاز تابع ساختار اول است بدین شکل که رژیم بعث، تعدادی قرارداد یا ممنوعیت را وضع کرده است و فرات شخصیت اصلی داستان، این قرارداد را نقض می‌کند و به مجازات زندان گرفتار می‌شود.

۲- اگر به اعتقاد گریماس شش عنصر روایی یعنی ۱- فاعل (قهرمان) ۲- هدف ۳- فرستنده ۴- گیرنده ۵- یاریگر ۶- بازدارنده در همه داستان‌ها وجود دارد، در رمان مورد مطالعه نیز فرات در نقش قهرمان اصلی یا فاعل هویدا می‌شود؛ هدف نیز در مبارزه با رژیم بعث شکل می‌گیرد؛ خفقان و استبداد حاکم بر عراق در نقش فرستنده جای‌گیر شده است؛ گیرنده با فاعل اصلی یعنی فرات یکی است؛ فلاح و احمد یاریگران این روایت هستند؛ و در نهایت عمال رژیم، اریج، اساتید وابسته به رژیم و زندانبانان، بازدارندگان هستند.

۳- به استناد نظریه گریماس که هر داستان، دارای سه گزاره روایی (وصفی، وجهی و متعدی) است، در این رمان، خصوصیات فرات چون دانشجوی زبان انگلیسی، نویسنده، مخالف رژیم و... در گزاره وصفی می‌گنجد. آرزوها، باورها و دغدغه‌های ذهنی فرات چون احساس راحتی در هنگام معافیت پزشکی و آرزوی سقوط رژیم بعث را می‌توان در گزاره

وجهی جای دارد. کارها و اعمال فرات مثل خودداری از دست زدن در همایش‌های حکومت بعث و... در گزاره متعددی قرار می‌گیرد.

۴- با تکیه بر نظر گریماس که هر داستان از سه زنجیره روایی (پیمانی، اجرائی و انفصالی) تشکیل شده است، در رمان اعجاز، فرات با دیدن خفقان و استبداد رژیم بعث و تضاد شعارهای آن‌ها با واقعیت‌های جامعه با خود پیمان می‌بندد که با حکومت بعث مبارزه کند. این پیمان او در زنجیره پیمانی نظریه گریماس جای می‌گیرد. فرات از طریق طنز، تغییر بعضی کلمات در اشعار حماسی و سیاسی قصد مبارزه با رژیم را دارد. زنجیره مبارزات او در زنجیره اجرائی نظریه گریماس قرار می‌گیرد. ابتدا در این رمان، آرامشی حکم فرماست ولی با دستگیر شدن فرات، آرامش اولیه به هم می‌خورد و این شرایط تا پایان داستان ادامه می‌یابد. سیر دگرگونی‌های داستان را می‌توان در زنجیره انفصالی قرار داد.

۵- در پایان باید گفت: سیر حرکت داستان در رمان مورد مطالعه از مثبت به منفی است؛ فرات، دانشجو و نویسنده است، اما به دلیل مبارزه با رژیم دستگیر می‌شود و به زندان می‌افتد. او همچنان در زندان می‌ماند و تغییر مثبتی تا آخر داستان در وضعیت او دیده نمی‌شود.

### منابع

- احمدی، بابک (۱۴۰۰)، *ساختار و تأویل متن*، چاپ بیست و دوم، تهران، مرکز.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱)، *دستور زبان داستان*، اصفهان، فردا.
- اسکولز، رابرت (۱۳۷۹)، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، آگاه.
- اشمیش، توماس (۱۳۸۹)، *درآمدی بر نظریه ادبی جدید و ادبیات کلاسیک*، ترجمه حسین صبوری، چاپ اول، تبریز، دانشگاه تبریز.
- انطون، سنان (۱۳۹۷)، *اعجاز*، ترجمه حسن حاتمی، تهران، رهی.
- انطون، سنان (۲۰۱۳)، *اعجاز*، بغداد، منشورات الجمل.
- تولان، مایکل (۱۳۸۶)، *روایت‌شناسی: درآمدی بر زبان‌شناختی - انتقادی*، ترجمه فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، چاپ اول، تهران، سمت.
- حاجی‌زاده، مهین و همکاران (۱۳۹۵)، «تحلیل ساختاری شخصیت‌های رمان بیروت ۷۵ غاده السمان بر اساس نظریه کنشی گریماس»، *نشریه نقد ادب معاصر عربی*، دوره ۳، شماره ۵، صص ۸۰ - ۵۵.
- ریمون-کنان، شلومیت (۱۳۸۷)، *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*، ترجمه ابوالفضل حری، تهران، نیلوفر.
- سلدن، رمان و پیتر ویدوسون (۱۳۸۴)، *راهنمایی نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
- عشریه، رحمان و همکاران (۱۳۹۶)، «بررسی داستان کودکی حضرت موسی (ع) در سوره قصص بر پایه الگوی روایی گریماس»، *نشریه پژوهشنامه معارف دینی*، سال ۸، شماره ۳۱، صص ۲۰۳ - ۱۸۱.
- گرین، کیت و جیل لیبهان (۱۳۸۳)، *درسنامه نظریه نقد ادبی*، ترجمه گروه مترجمان، تهران، روزنگار.
- محمدی، محمدهادی و علی عباسی (۱۳۸۱)، *صمد: ساختار یک اسطوره*، تهران، چیستا.
- ناظمی سجزی، زهرا و همکاران (۱۴۰۰)، «تحلیل ساختار شخصیت در رمان مصابیح اورشلیم علی بدر بر مبنای نظریه کنشی گریماس»، *نشریه لسان مبین*، دوره ۱۲، شماره ۴۳، صص ۱۰۲ - ۸۳.

- نصیحت، ناهید و همکاران (۱۳۹۱)، «نشانه معناشناسی ساختار روایی داستان «و ما تشاؤون» بر اساس نظریه گریماس»، نشریه نقد ادب معاصر عربی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۶۳ - ۳۹.
- هارلند، ریچارد (۱۳۸۸)، درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت، ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش، تهران، چشمه.
- Ahmadi, B., (2021), Structure and Text Interpretation, 22nd edition, Tehran, Center. [in Persian].
- Akhovat, A., (1992), Story Grammar, Isfahan, Farda. [in Persian].
- Scholes, R., (2000), an introduction to structuralism in literature, translated by Farzaneh Taheri, Tehran, Agah. [in Persian].
- Ashmith, T., (2010), an introduction to new literary theory and classical literature, translated by Hossein Sabouri, first edition, Tabriz, Tabriz University. [in Persian].
- Anton, S., (2018), Ajam, translated by Hasan Hatami, Tehran, Rahi. [in Persian].
- Anton, S., (2013), Ajam, Baghdad, Al-Jamal pamphlets. [in Persian].
- Tualan, Michael (2006), Narrative: An Introduction to Cognitive-Critical Linguistics, translated by Fatemeh Alavi and Fatemeh Nemati, First edition, Tehran, Semit. [in Persian].
- Hajizadeh, M., et al, (2016) structural analysis of the characters in the novel Beirut 75 by Ghadeh Al-Saman based on Grimas theory of action Contemporary Arabic Literature Review, Volume 3, Number 5, p 5-80. [in Persian].
- Rimon-Kanan, S., (2008), Narrative: Contemporary boutiques, translated by Abolfazl Hari, Tehran, Nilufar. [in Persian].
- Selden, R., and Widdowson, P., (2005), Guide to Contemporary Literary Theory, translated by Abbas Mokhbar, third edition, Tehran, New design [in Persian].
- Ashariah, R., et al. (2016) Examining the childhood story of Prophet Moses (pbuh) in Surah Al-Qasas based on the model Grimas, Religious Education Research Journal, year 8, number 31, pp. 181-203. [in Persian].
- Green, K., and Libhan, J., (2013), Literary Criticism Theory Textbook, translated by the Translators Group, Tehran, Roznagar. [in Persian].
- Mohammadi, M., and Abbasi, A., (2002), Samad: The structure of a myth, first edition, Tehran, Chista. [in Persian].
- Nazmi Sajzi, Z., et al. (2021) Analyzing the character structure in the novel Masabih Yerushalim by Ali Badr Grimas theory of action, Lasan Mobin magazine, Volume 12, Number 43, pp. 102-83. [in Persian].
- Nasyhat, N., et al. (2013) Semantic sign of the narrative structure of the story what you want based on the theory Grimas, Contemporary Arabic Literature Review, Volume 2, Number 3, p. 39-63. [in Persian].
- Harland, R., (2009), a historical introduction to literary theory from Plato to Barthes, translated by Ali Masoumi and Shapur Jurkesh, third edition, Tehran, Cheshme. [in Persian].

